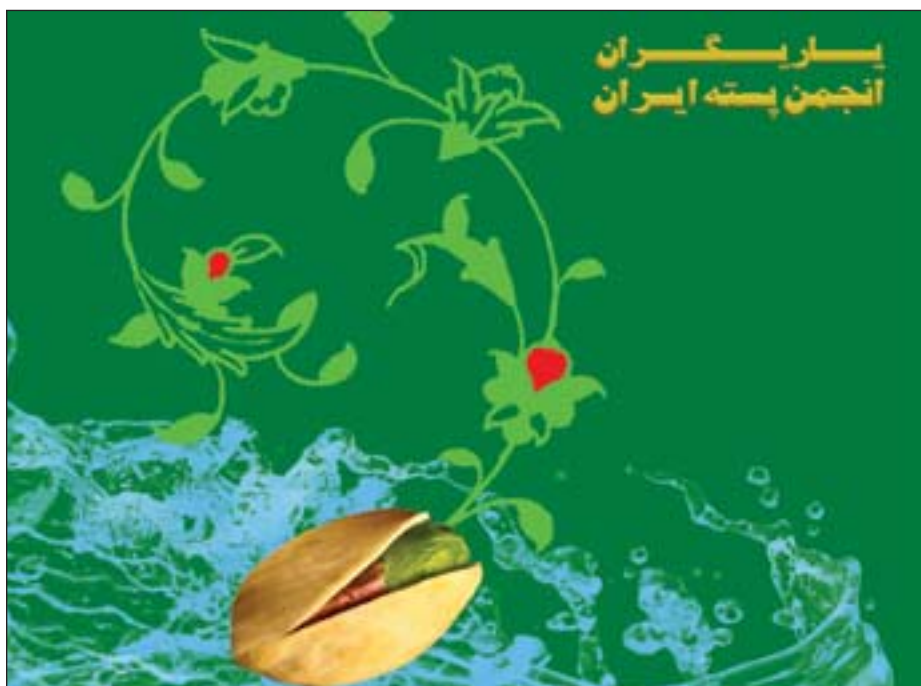


گفتگوی اختصاصی با محسن جلال پور:

انجمن باید بیشتر کار می کرد اما ...



هدف از تشکیل انجمن پسته ایران چه بوده است؟ چه کسانی در شکل گیری آن نقش داشته اند؟ دستور کار تعریف شده برای انجمن چیست؟ و چرا انجمن از اجرای برخی از فعالیت ها و ورود به آنها پرهیز می کند؟ سوالاتی از این قبیل مارا بر آن داشت تا مصاحبه ای با آقای محسن جلال پور به عنوان یکی از بانیان راه اندازی و تشکیل انجمن ترتیب دهیم. در ادامه با جزئیات این گفتگو آشنا می شوید.

پست آقای جلال پور! بسیاری علاقمندند تاریخچه تشکیل انجمن و چگونگی تأسیس آن را بدانند.

بنده تقریباً از دهه ۶۰ به صنعت پسته پا گذاشتم و به عنوان یک فعال اقتصادی با کار خرد و داخلی شروع کردم. عمده کار من در سال های ۶۹ و ۷۰ آشنایی با بازار و ارتباطات داخلی بود و فعالیت هایم با تجهیز مجموعه ای که بتوانم کار را در زمینه پسته، تولید و فرآوری، بسته بندی و صادرات شروع کنم ادامه یافت. از اوایل سال ۷۲ پا به عرصه صادرات گذاشتم و اولین محموله ی صادراتی را به مقصد امارات و کویت صادر کردیم. تقریباً ۱۰ سال را عمدتاً صرف کارهای شخصی، شناخت و حضور در بازار، معرفی خود و ایجاد مجموعه ای برای پیشبرد فعالیت هایم نمودم.

همان ۱۰ سال کافی بود که یک خلاء در صنعت پسته احساس کنم و آن عبارت بود از عدم وجود یک نهاد غیر دولتی (NGO) یا انجمن در زمینه ی پسته که بتواند صفر تا صد این صنعت را ببیند و زنجیره ارزش آن را رصد کند و نگاه جدی به اعتلای این صنعت داشته باشد.

هنوز با آقای مهدی آگاه آشنا نشده بودم و در واقع آشنایی من با ایشان از اواسط دهه ۷۰ به بعد بود. ایشان هم به شدت این خلاء را دریافته بودند و یکی از بزرگ ترین آرزوهایشان تشکیل انجمن بود. این همفکری باعث شد راهکاری برای آن بیاندیشیم. در اتاق کرمان با آقای احمد هاشمی رئیس وقت تعاونی هم صلاح و مشورت می کردیم، اما نمی توانستیم این زنجیره ی ارزش و مجموعه اقتصادی

اتاق ایران از من شناخت چندانی داشت و نه من ارتباط چندانی، و همه پیشکسوتان از چند دهه قبل از حضور من در اتاق ایران سابقه فعالیت داشتند.

در یکی از جلسات که در سال ۸۳ با آقای مهندس علی نظری در کرمان داشتیم، دغدغه اصلی ایشان هم تشکیل انجمن بود. در این زمان برای من قوت قلبی ایجاد شد که خانواده های بزرگ آگاه، نظری و فعالان این صنعت و پایگاه اتاق کرمان می توانند با یک خرد جمعی و تلاش جدی راه را برای رسیدن به نتیجه مطلوب که همان تشکیل انجمن باشد هموار کنند. بنابراین برای اولین بار در جلسه ای در اتاق کرمان که با حضور آقای علی نظری و مهدی آگاه تشکیل شده بود، عهد کردم که اگر دوستان پای کار بایستند، مسئولیت ثبت این شکل را قبول کنم و به هر طریقی رضایت اتاق ایران را جلب نمایم. دوستان در ابتدا کمی مردد بودند ولی وقتی که این عزم و اراده را در بین همه خصوصاً من که تعهد کرده بودم دیدند، تصمیم بر آن شد که انجمن پسته ایران پایه گذاری گردد. بعدها ساختار و اساسنامه انجمن را مشخص کردیم. آقایان مهندس مهدی ایرانی و محمدحسین کریمی پور در تهران و برخی از دوستان در این زمینه کمک

صنعت پسته در زمینه تولید، فرآوری و صادرات را در کنار هم متقاعد کنیم. البته اتحادیه خشکبار نزدیک به ۵۰ سال پیش تشکیل شده بود؛ منتها این اتحادیه فقط به مقوله صادرات آن هم در سطح وسیع خشکبار می پرداخت. هر چند که موضوع پسته در آنجا پر رنگ بود، اما بر روی زنجیره ی ارزش آن از صفر تا صد تأثیری نداشت. من می دانستم برای اینکه بتوانیم صنعت پسته را برای استان حفظ کنیم بایستی از تولید و فرآوری تا صادرات و فروش در بازارهای داخل و خارج، همه را در کنار هم داشته باشیم.

در این خصوص گفتگوهای زیادی با آقای آگاه داشتیم، اما باز هم شرایط ایجاب نکرد و اتفاقی نیافتاد. در سال ۸۱ که به عنوان رئیس اتاق کرمان انتخاب شدم همواره تلاش می کردم در فرصتی مناسب، شکل گیری این تشکل کلید بخورد. در سال های ۸۲ و ۸۳ تلاش جدی ما به جایی ختم نشد؛ به دلیل این که اتاق ایران ثبت تشکل ها را خیلی محدود کرده بود. به یاد دارم چندین بار به عنوان رئیس اتاق کرمان برای ثبت تشکل تلاش کردیم اما متأسفانه رضایت اتاق ایران جلب نشد. چون سال های اولی بود که وارد اتاق بازرگانی شده بودیم، نه مجموعه

زیادی کردند و نهایتاً
اساسنامه ای تدوین

شد.

خاطرهم هست که یک شب نمایندگان وقت استان کرمان که در آن زمان آقای مهندس باهنر هم نماینده کرمان بودند را در اتاق برای شام دعوت کرده بودم. آن زمان یک اساسنامه پیشنهادی را به مجمع نمایندگان وقت عرضه کردیم و پشتیبانی آنها را نیاز داشتیم تا آن را به ثبت برسانیم. مهندس باهنر گفتند که اگر شما چنین انجمنی را به ثبت برسانید باید هزاران آفرین به همت شما گفت. نهایتاً آن اساسنامه که در واقع برگرفته از اساسنامه های مشابه از انجمن پسته آمریکا و برخی از انجمن های داخلی اتاق ایران بود را آماده کردیم و من مأمور شدم که کار ثبت آن را در اتاق ایران انجام دهم. پس از مدت ها رفت و آمد توانستم مهندس صادقی رئیس کمیسیون تشکل ها و نماینده هیأت رئیسه که در آن زمان مسئول ثبت تشکل ها بود را متقاعد کنم؛ البته این ثبت مشروط به جلب موافقت آقای اسدالله عسگرآولادی که یکی از قدما و اصلی ترین نفرات اتاق ایران بودند شد؛ چون ایشان هم اتحادیه خشکبار را داشتند و هم در اتاق بازرگانی نفوذ فراوان.

وقتی به خدمت ایشان رفتم و صحبت کردم، خوشبختانه این مطلب را پذیرفتند و قانع شدند و با همه ی موانع و مشکلاتی که در اتاق ایران وجود داشت، به ما کمک کردند. ایشان یکی از اثرگذارترین افرادی بود که در ثبت این تشکل در اتاق ایران نقش داشتند. بالاخره اتاق ایران را متقاعد کردیم و مرکزیت انجمن را در کرمان نهادیم. این اولین بار بود که در اتاق ایران، یک انجمن ملی به مرکزیت استانی به جز تهران تشکیل می شد. استدلال مان هم این بود که بیشترین تولید پسته در استان کرمان است. البته متقاعد کردن تهرانی ها و جلب همراهی آنها کار سختی بود، ولی انجام شد. به هر حال جلسه اول تشکیل شد. حتی در خاطره ای که در ماهنامه دنیای پسته آمده بود، نقل کرده ام در اوایل دولت نهم که آقای دکتر رئوفی استاندار کرمان بودند و مسئولیت های استان به ایشان واگذار شده بود، چندان آشنایی با انجمن نداشتند و در آن زمان یک بحث جدی در این خصوص ایجاد شد. نهایتاً با حضور

زیادی کردند. آقایان محمد نظری، اسدالله عسگر اولادی، دوستان اتحادیه خشکبار، برخی از فرآوری کنندگان بزرگ مانند آقایان علی وثوقی، مهندس محمد نخعی نژاد، برخی از باغداران بزرگ و آقایان علی قاسمعلیزاده، محمد بازیان، خانواده نخعی و مجموعه دوستان دیگری هم بودند که از ذهن من رفته اند، همه کمک کردند. ولی هسته اصلی انجمن هیأت مدیره دور اول شامل آقایان محمدحسین کریمی پور، علی نظری، مهدی آگاه، امیرعلی عسگر اولادی، علی وثوقی، مهدی ایرانی کرمانی و بنده بودند.

پستی آیا مانعی بر سر تشکیل انجمن وجود داشت؟

بزرگترین مانع برای تشکیل انجمن ثبت آن بود. مشکلی که در ثبت داشتیم این بود که سه گروه تولیدکننده، فرآوری کننده و صادر کننده وجود داشت و می خواستیم زنجیره صفر تا صد را بیاوریم. اتاق ایران اعتراض می کرد که کشاورزان جزو ما نیستند که شما به عنوان تولید کنندگان بیاورید. ما کلی برای آنها توضیح می دادیم که کشاورزان پایه اصلی تولید هستند و آنها هم عضو هستند. بعدها که اتاق بازرگانی تغییر نام داد همین مسیر را رفتیم و در واقع کشاورز در اتاق حرف یافت. در کنار این مسائل، برخی حرف و حدیث ها از قبیل این که نباید مرکز انجمن در کرمان باشد و کرمانی ها می خواهند صنعت پسته را انحصاری کنند به گوش می رسید، اما به دلیل وجود افراد خوشنام در این انجمن همه این مسائل پوشش داده شدند.

پستی هدف شما از تشکیل انجمن به طور جزء چه بود؟

هدف کلی، اعتلای صنعت پسته بود. چون می خواستیم فرهنگ سازی نماییم و بازاریابی و بازار سازی کنیم و به توسعه، سلامت و کیفیت اهمیت می دادیم. در هر کدام از این زمینه ها کمیسیون هایی از جمله باغبانی، کیفیت و استاندارد، صادرات، ترویج و آموزش تشکیل شد. برخی از آنها در یک مسیر فعالیت داشتند و در بعضی دیگر در همه زمینه ها اظهار نظر می شد. مثلاً کمیسیون بهداشت هم در تولید، فرآوری و صادرات نقش داشت و همه در آن حضور داشتند ولی کمیته باغبانی صرفاً در تولید نقش داشت. اساسنامه ای که نوشته شده و اهدافی که در آن گفته شده خیلی گویا است.

بسیاری از بزرگان صنعت پسته اعم از تجار، باغداران بزرگ استان و فرآوری کنندگان و همه ی کسانی که در صنعت پسته شناخته شده بودند، توانستیم انجمن پسته را پایه گذاری کنیم. اولین هیأت مدیره را تشکیل دادیم و بنده به اتفاق آراء و به لطف دوستان به عنوان هیأت رئیسه انتخاب شدم. مسئله مهم در انجمن این بود که به هیچ وجه کوچک نگاه نکردیم و چون صنعت پسته را صنعت بزرگی می دیدیم، دقت کردیم که محلی برای پایه گذاری کارهای بزرگ باشد.

در انتخاب دبیر کل انجمن نفرات متعددی را مدنظر قرار دادیم و نهایتاً سراغ آقای مجتبی خسرو تاج که سال ها رئیس سازمان توسعه تجارت کشور بودند، رفتیم. کمتر کسی باور می کرد ایشان که سال ها معاون وزیر و در سطح ملی شناخته شده بودند، سمت دبیر کلی انجمن تازه تأسیس شده را طی یک دوره ۴ ساله بپذیرند. توانایی ها و ظرفیت ایشان باعث شد که پایه انجمن محکم و صحیح نهاده شود و هیأت مدیره با رعایت سه اصل مهم یعنی، نگاه ملی، همه گیر بودن و کارشناسی باعث شد بعد از مدت کوتاهی انجمن به عنوان سخنگوی پسته کشور مطرح شود و عملکرد انجمن عملاً نشان داده شد که این حق را دارد. در دوره اول، آقای خسرو تاج در انجمن بودند و در دوره دوم آقای مهندس فیضی انتخاب شدند که ایشان هم در زمینه پسته بسیار توانمند بودند و در آن زمان میز پسته را در وزارت کشاورزی مدیریت می کردند. در دوره اخیر هم تا یکسال اول بنده حضور داشتم و بعد به دلیل کسالت بیرون آمدم. سه اصل اساسی همه گیر بودن و توجه به منافع ملی، انجام کار فاخر و کارشناسی و انتخاب آدم های معقول بسیار کمک کرد تا خلأ در این زمینه سریعاً پر شود.

پستی به جز شما، آقایان آگاه و نظری آیا افراد دیگری جزو موسسین بودند؟

قبل از تشکیل انجمن پسته، طرح کزیدور سبز را در کرمان اجرا کردیم که مسئولیت آن کار را مهندس مهدی ایرانی کرمانی برعهده داشتند و به خوبی هم اجرا شد. ایشان در زمینه شکل گیری انجمن کمک شایانی کردند و جناب آقای مهندس کریمی پور از تهران نیز کمک

هم آمدن و مطالبه گری باشند؛ بلکه به دنبال این هستند که از منافذ و درزهایی که در اقتصاد وجود دارد، بهره برداری کنند. تا زمانی که وضع انرژی و آب اینگونه باشد و اطلاعات، ارتباطات و وسایل اقتصادی در جهت اتخاذ تصمیمات غلط، رانت ها و یارانه ها در بخش اقتصادی باشند، کسی بدنیاال بهره وری و کارایی نخواهد رفت. متعاقباً وقتی بهره وری نباشد انجمن ها چندان کارایی ندارند. اول باید فضای اقتصادی را اصلاح کرد و تشکل ها را در جایگاه خود نشانند و به آنها اعتبار داد تا اثر جدی در اقتصاد صنعت پسته داشته باشند.

پوستی برخی از افراد از انجمن نقش اجرایی می خواهند.

ورود به اجراییات به مثابه سمی برای انجمن ها و تشکیلات مدنی است؛ بلکه باید تنها نقش مشورتی و کمک به سیاست گذاری های کلان در صنعت داشته باشند. **پوستی برخی باغداران از انجمن درخواست معرفی برند کود و سم برای تصمیم گیری بهتر دارند. چه آسیبی به این مسأله وارد است که انجمن به دنبال آن نرفته است؟**

من اعتقادی ندارم که انجمن بایستی برند و یا نوع کود مشخصی را معرفی کند، چون وارد فضایی می شود که ممکن است باعث ایجاد رانت، ارتباط و افزایش نگرانی ها شود. من اعتقاد دارم که انجمن باید به کلیات بپردازد. یعنی بحث باقیمانده سموم را فریاد بزند و مسائل و مشکلاتش را هم بگوید و بقیه را برعهده مردم بگذارد. وقتی مردم خود مطلع باشند که کالایشان با چه عواقبی مواجه است خودشان انتخاب می کنند. انجمن به هیچ وجه نباید دنبال برندها و تعریف باشد؛ بلکه با نظرات کارشناسی، خلاف را به مراجع ذیربط گزارش دهد ولی نمی تواند مستقیم وارد این حوزه شود.

پوستی از دید شما انجمن چقدر موفق بوده و آینده آن را چطور پیش بینی می کنید؟

من در فضای کلی تشکل ها و بخش خصوصی کشور، انجمن را تا حد زیادی موفق می بینم؛ چون توانسته سلامت خود را حفظ کند و زنجیره ارزش را از صفر تا صد ببیند و وارد مطالب علمی، کارشناسی با تکیه بر منافع ملی شده است. همه ی راه را نباید انجمن برود و بخشی از کارها را باید حاکمیت و اتاق های بازرگانی و قانون گذارها و مجریان انجام دهند.

پوستی قبلاً در اساسنامه انجمن آمده بود که تنها باغدار بالای ۱۰ هکتار می تواند عضو انجمن شود. دلیل این قضیه چه بود؟ الان که تغییر کرده نظر تان چیست؟

ابتدا فکر کردیم انجمن باید تعداد اعضای محدودی داشته باشد ولی کارایی آن بالا باشد. عمدتاً نگاه به کیفیت بود، اما بعدها سوالی از ما می شد این بود که شما چند نفر عضو دارید؟ فکر کردیم که این سوال مهمی است و عضو وابسته را تعریف کردیم، اما استقبال زیادی نشد و تا حدی توانستیم اعضا را بیشتر کنیم. ولی علی رغم این تصمیم تعداد اعضای وابسته افزایش چشمگیری نداشته است. **پوستی این موضوع را متأثر از چه می دانید؟**

چون هنوز در کشور ما نهادهای مدنی تعریف نشده اند و ارزش و اعتباری به آنها داده نشده است. من وقتی در سمت رئیس اتاق ایران بودم، اولین صحبت من این بود که بایستی اساسنامه و قانون اتاق ایران تغییر کند و کسانی که عضو اتاق ایران می شوند قبل از عضویت، عضو تشکل مربوطه باشند؛ اما امروز این قضیه برعکس است. اتاق ایران باید به سمتی رود که به جای عضو محور بودن، تشکل محور باشد. انجمن پسته باید عضو اتحادیه و یا کنفدراسیون کشاورزی ایران باشد و نهایتاً تمام این تشکل ها اتاق ایران را تشکیل دهند. اگر می خواهیم اثر گذار باشیم باید جایگاه مان تعریف شود و باید بدانیم که از چه مسیری حرکت می کنیم. این که هر شخصی بتواند از هر مسیری وارد اتاق ایران شود، موجب کاهش ارزش و اثرگذاری تشکل ها می گردد.

پوستی فکر می کنید دید بهره برداران چقدر در عضو شدنشان نقش دارد و آیا انجمن درخواست های آن ها را شنیده است؟

متأسفانه بهره برداران به چند دلیل مطالبه ی جدی ندارند. مهمترین مطلبی که در صحبت هایم عرض کردم این بود که اصلاً شرایط حاکم بر اقتصاد ما شرایط رقابتی و بهره وری نیست. دلیل آن هم منابعی است که معمولاً به اقتصاد تزریق می شود و بنابراین همه چیز در اقتصاد به انتفاع ختم می شود. امروز در شرایط کشور ما انتفاع فعالین اقتصادی به این نیست که دنبال گرد

پوستی شما گفتید که به بخش ترویج هم ورود کردید. مگر این کار جزو وظایف وزارت جهاد کشاورزی نیست؟

من هنوز هم اعتقاد دارم که جهاد کشاورزی وظیفه ی خودش را نه در زمینه ترویج و آموزش باغداری و نه در مجموعه های دیگر نتوانسته انجام دهد؛ چون جهاد کشاورزی یک وزارتخانه عریض و طویل با ده ها محصول است. اگر جهاد کشاورزی به یک بیستم کنونی کاهش پیدا می کرد بهتر کارایی داشت. وزارت کشاورزی فقط باید در سیاست گذاری کلان ورود کند و بقیه کارها به انجمن ها و تشکل ها سپرده شوند.

پوستی انجمن در حوزه باغبانی چه فعالیت مفیدی انجام داده و چقدر در اجرای برنامه های از پیش تدوین شده اش موفق بوده است؟

روزی که در حوزه باغبانی فعالیت هایمان را شروع کردیم همان سال هایی بود که بحث افلاتوکسین و آلودگی در جریان بود و عدد سه رقمی متوسط افلاتوکسین در آن سال ها به یک رقمی تقلیل یافت. انجمن در بحث تولید، کیفیت و سلامت محصول کارهای زیادی انجام داد، اما از طرفی بپذیرید که کشور ما کشوری نیست که نگاه به بهره وری، کارآمدی و تکنولوژی های نو داشته باشد و انجمن هم از این قاعده مستثنی نیست. من قطعاً می پذیرم که انجمن باید بیشتر کار می کرد ولی شرایط کشور، امکان رقابت و ارزش گذاری را نمی دهد. وقتی که در کشور آب مجانی در اختیار گذاشته می شود و یارانه های فوق العاده زیادی بر روی انرژی می دهند، متعاقباً همه هم مصرف می کنند. بایستی همه ی ابعاد دیده می شد. یکی از حرف های ما این بود که اگر می خواهید با آمریکا رقابت کنید باید پایه های کشور را بر روی پایه های سلامت، رقابت و عدم وجود رانت بگذاریم. البته از انجمن هم به اندازه انجمن و توان و ظرفیت اش باید توقع داشت. در زمینه ی باغبانی، تخمین محصول انجمن به صادرات کمک می کند، ایده ها و تورهایی که توسط انجمن برگزار می شود و توصیه های کارشناسی اش ارزشمند هستند و بسیار موثرتر از وزارت جهاد کشاورزی ظاهر شده است.